

واکاوی شهرهای هوشمند در گفت‌وگو با محمدمهدی مولایی:

شما در این خانه آرام هستید

دنیا عیوضی



صورت می‌گیرد، می‌توانند خیس نشوند و آب را روی خود حفظ نکنند و خیسی را که در جاده باعث لغزندگی می‌شود، نداشته باشند.

❖ فکر می‌کنید چه مواعنی بر سر راه ایجاد شهر هوشمند در ایران وجود دارد؟
ما چون هنوز در این زمینه به سمتی نرفته‌ایم که بتوانیم الگویی برای شهر هوشمند در ایران ارایه کنیم بنابراین هنوز به هیچ مانعی هم بر نخورده‌ایم؛ زمانی می‌توانیم مواعنی را برایش تعریف کنیم که به سمت شهر هوشمند حرکت کرده باشیم.

❖ آیا نیروی متخصص مورد نیاز در این زمینه داریم؟

امروز نیرویی نداریم که بخواهیم در این حوزه در داخل کشور در این زمینه به ما کمک کند ولی دانشگاه‌ها به این سمت می‌روند و گرایش‌هایی را ایجاد کرده‌اند که بتوانیم متخصصانی را در آینده در این حوزه داشته باشیم اما واقعیت این است که امروز فقدان متخصصانی که بتوانند در این حوزه عمل کنند، وجود دارد.

❖ آینده شهر هوشمند در ایران را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

در مجموع ما در ابتدای راه هستیم و کارهای قابل‌ملاحظه‌ای را در این حوزه انجام داده‌ایم که امروز بتوانیم درموردش صحبت کنیم.

❖ شما به‌تازگی کنفرانسی در خصوص معماری پایدار داشتید، اصولا به چه معماری‌ای پایدار می‌گویند؟

تعاریف مختلفی می‌توان از معماری پایدار داشت زیرا پایداری بحث گسترده‌ای است که در حوزه‌های دیگر هم قابل تعریف است، به‌عنوان مثال از توسعه پایدار به معماری پایدار و سپس به شهر پایدار می‌رسیم. یا در بحث پایداری اجتماعی اینگونه بررسی می‌شود که فضا از نظر اجتماعی آن پایداری و امکان تعاملات اجتماعی را داشته باشد. به‌عنوان مثال در گذشته معماری کاروانسراها نمونه‌ای از این پایداری محسوب می‌شود. مردم از کشورها و فرهنگ‌های مختلف به آنجا می‌آمدند و در یک نقطه با هم تعاملاتی داشتند و در حقیقت این تلفیق فرهنگی شکل می‌گرفت و هر کدام به‌عنوان نماینده‌ای از فرهنگ و سنن خویش این تعامل را به هم انتقال می‌دادند.

❖ در جهان امروز این پایداری به چه شکلی پیش رفته است؟

در دنیای مدرن بحث پایداری یک بحث تکنولوژیکی از نظر بحث بازیافت‌شوندگی و اقلیمی است. رواقع بستگی به آن دارد که چه رویکردی در مورد پایداری داریم اما به صورت کلی معماری پایدار، معماری‌ای است که در مقابل همه اتفاقاتی که در اطرافش می‌افتد پایداری لازم را داشته باشد. یعنی اگر هم از نظر ساختاری، اکولوژیکی، اجتماعی، ماندگاری و دوام همه موارد را در بر بگیرد به آن می‌توان معماری پایدار گفت. عده‌ای معماری گذشته ما را معماری پایدار می‌دانستند که همان معماری بومی گفته می‌شود. معماری‌ای که از درون بافت، مصالح، فرما و الگو گرفتن از فضای همان منطقه شکل می‌گرفت مثل معماری‌ای که در اصفهان یا یزد در گذشته وجود داشت. بافت شهر یک بافت ارگانیک داشته که ما به آن معماری پایدار می‌گوییم. معماری‌ای که توجه به ضروریات اقلیمی و بافت و مصالح و موادی که در آن اطراف بوده به‌صورت طبیعی شکل گرفته است. اما در دنیای مدرن سعی می‌شود از نظر تکنولوژی و سیستم‌ها و مواد جدید این معماری رشد کند و شکل بگیرد، نه اینکه صرفا چون ما می‌خواهیم مثلا برای یزد، بنایی

 	 	 	 	 	
معماری شهرهای ما به سمتی می‌رود که هیچ‌گونه هویتی در تاریخ و فرهنگ ایرانی ندارد و در حقیقت الگوبرداری صرف از معماری غرب است آن‌هم بدون آنکه هیچ مفهومی در کشور ما داشته باشد.					
این بحث بسیار جدی است. زیبایی‌سازی در فرهنگ هر کشور پیوند خورده و با آن تعریف می‌شود					

طراحی کنیم بباییم و یک خانه خشتی در آنجا با همان کیفیت بسازیم، رواقع این تنها مدنظر نیست. مواد و مصالح جدید اما مفاهیم از گذشته گرفته می‌شود. به این معنی که یک خانه بتواند به شرایط مختلف محیطی پاسخ بدهد که با تکنولوژی اکنون شکل گرفته باشد. شهر کهایی در بلژیک ساخته شده است که از طریق انرژی آب توانسته انرژی برق، گرمایش و سرمایش داخل ساختمان را تامین کند و در حقیقت از طریق انرژی‌های طبیعی که در اطرافش وجود دارد انرژی‌های دیگر را منتقل کند. بحث پایداری در مسکن این مفهوم را پوشش می‌دهد که یک بنا خودش نیازهای خودش را تامین کند. در این صورت ما می‌گوییم که یک بنا توانسته پایداری مورد قبولی را داشته باشد.

❖ در مقایسه معماری مدرن ایران با غرب به تفاوت‌های زیادی برمی‌خوریم، علت این تفاوت در چیست؟

ما معماری مدرن را به آن مفهومی که در غرب داریم در اینجا نداریم. در دنیای غرب می‌بینیم که چگونه خاستگاه مدرن شکل گرفت. بعد از انقلاب صنعتی که در حقیقت آنها به سمت تجدد یا مدرنیزاسیون حرکت کردند، بعد از آن بود که معماری مدرن به‌وجود آمد. می‌توان دید که یک نگاه و اندیشه‌ای پشت این موضوع وجود داشت که توانست به این شکل پدید آید. اما در ایران معماری‌ای که امروز ما به‌عنوان مدرن می‌بینیم آن خاستگاه را ندارد. در غرب از دالایی که آن زمان باعث به‌وجودآمدن معماری مدرن شد می‌توان به جنگ جهانی اول و دوم اشاره کرد که خیلی تاثیر داشت. رواقع یکسری نیازها باعث شکل‌گیری معماری مدرن در غرب شد که در ایران آن نیازها وجود نداشت. امروز هم مفاهیم و خاستگاه‌هایی که پشت معماری مدرن در ایران است آن چیزهایی نیست که در غرب ما شاهد آن هستیم.

❖ جنگ جهانی چگونه می‌توانست بر روند معماری مدرن در غرب اثرگذار باشد؟

تخریب‌هایی به‌وجود آمده بود و آنها می‌خواستند بازسازی سریع انجام دهند

معماری

شهر هوشمند

وین؛ گام نخست در رده‌بندی شهرهای هوشمند

در رده‌بندی ثبتات، تکنولوژی و رتبه‌بندی شهرهای هوشمند دنیا که توسط آر تور کوهن به‌تازگی انجام یافته است، شهر وین در جایگاه نخست جدول قرار گرفت.

پس از وین شهرهای تورنتو و پاریس جای گرفته‌اند و پس از آنها نیویورک، لندن، توکیو، برلین، کپنهاگ، هنگ‌کنگ و بارسلون قرار دارند. کوهن پس از تحقیقات گسترده‌ای که سال گذشته پیرامون نوآوری شهرهای هوشمند در سراسر جهان انجام داد، توانست برای اولین‌بار به نخستین رتبه‌بندی شهرهای هوشمند در سطح جهان دست یابد. بنا بر عقیده کوهن، نوآوری و ثبات از مهم‌ترین معیارهای تعیین یک شهر هوشمند هستند.

همچنین استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای مدیریت بهینه منابع نیز از دیگر فاکتورهای برجسته در این رده‌بندی به‌شمار می‌روند. در کمال ناباوری وین تنها شهر در بین ۱۰ شهر جهان است که رتبه نخست را در تمام شاخص‌های مهم شهرهای هوشمند مانند نوآوری شهری، منطقه شهر سبز، کیفیت زندگی و شهر دیجیتال به‌دست آورد. در خصوص شهر وین، عوامل دیگری همچون سطح رفاه و داربوند کمترین میزان تأثیرات مخرب بر محیط زیست از عوامل تعیین‌کننده به‌حساب آمده‌اند.

شهر وین با جمعیتی بالغ بر ۱/۷ میلیون‌نفر یکی از مثال‌های جهانی برای سطح رفاه در زندگی شهری محسوب می‌شود. در بین تمامی فاکتورهایی که کوهن در رده‌بندی خود مدنظر قرار داده است، وین تنها شهری بود که قادر شد در صدر جدول دهبانی قرار گیرد. این شهر با تمرکز روی اهداف شهر هوشمند، پیشرفت برنامه‌هایی مانند چشم‌انداز انرژی هوشمند تا سال ۲۰۵۰، نقشه‌راه تا سال ۲۰۲۰ و طرح اجرایی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ را پیگیری کرد.

برنامه‌ریزان وین نیز با ادغام فرآیندهای مشاوره، ساخت و اجرای کاهش کربن در سیستم حمل‌ونقل و همچنین تغییرات برنامه‌ریزی‌استفاده از زمین، وین را در فناوری‌های شهر هوشمند به مهم‌ترین شهر اروپایی بدل کردند.

همچنین وین فعالیت‌های بی‌ظنری در زمینه دسترسی عمومی به اطلاعات دارد و یکی از معدود شهرهایی است که با جدیت در زمینه توسعه City Protocol فعال است. در این میان شهرهای تورنتو و پاریس تلاش‌های چشمگیری در زمینه ایجاد نوآوری در سیستم حمل‌ونقل هوشمند و همین‌طور بالابردن بهرهوری حمل‌ونقل با مترو داشته‌اند. همین‌طور تاختون برای هوشمندسازی شهروندان خود چند گام جلوتر از بقیه شهرهای دنیا بوده‌اند.

پاریس یکی از نخستین شهرهای مهم جهان بود که ابتکارات گوناگونی را در سیستم حمل‌ونقل خود به‌وجود آورد. این شهر برنامه دوچرخه‌های اشتراکی را به اجرا درآورد که امروز یکی از بزرگ‌ترین و موفق‌ترین طرح‌های ترغیب شهروندان به دوچرخه‌سواری شناخته می‌شود.



و سرعت ساخت اینجا شکل گرفت که بطور بتوانند شهرکهایی را با اولویت اسکان‌دادن مردم با سرعت زیاد بسازند. در این زمان صنعتی‌سازی و استفاده از مواد پیش‌ساخته اهمیت پیدا کرد و از دوران روشننگری که معماری هنری بود فاصله گرفتند، بناها همه هم‌شکل شدند و در حقیقت یک هویت جدیدی را پایه‌گذاری کردند. رواقع با توجه به نیاز آن دوران و نظر فیلسوفانی چون کانت و دکارت که بحث خردگرایی را مطرح کرده بودند که در حقیقت هنر را به آن شکل نفی می‌کردند همه از عوامل پدیدآمدن معماری مدرن در غرب بود و از سویی این مفاهیم پشتیبان تغییراتی بود که در قرون ۱۸ و ۱۹ شاهدش بودیم. این در حالی است که ما چنین خاستگاهی را در ایران نداشتیم. در زمانی که آن تغییرات در غرب در حال شکل‌گیری بود ما در ایران شرایطمان طور دیگری بود و هنوز آن تکنولوژی و پیش‌ساختگی را نداشتیم. در حقیقت نیازی به بلندمر تبه‌سازی و انبوه‌سازی نداشتیم. اما در چندسال گذشته می‌بینیم که چنین سبک‌های مدرنی تا نیاز: حتی اگر تقلید هم نباشد مفاهیمش با آنچه در غرب وجود دارد متفاوت است. بنابراین معماری مدرنی را که در ایران داریم نمی‌توان با معماری مدرنی که در غرب وجود دارد مقایسه کرد.

❖ گاهی در جهان دیده می‌شود که معماران صاحب‌نام و برجسته برای ساخت برج و بناهای ماندگار به شهرهای مختلف دنیا می‌روند و با طرح‌های خود اعتباری به آن شهر یا کشور می‌بخشند، ما در ایران تا به حال شاهد این اتفاق نبوده‌ایم، علت آن نبود چنین اراده‌ای در مدیران کشور بوده یا معماران جهان علاقه‌ای برای همکاری نشان نمی‌دهند؟

باید دید برای ساخت آن برج و بنا به‌دست معماران جهانی چه علتی وجود دارد. آیا واقعا نیاز داریم که در تهران یک برج صدطبقه ساخته شود همانطور که در کشورهای عربی می‌بینیم که این اتفاق می‌افتد. شاید شرایط و تفکر آنرا فرق می‌کند که می‌خواهند چیزی با این معماری عرضه کنند در حالی که ما شاید دنبال آن نباشیم. ما معتقدیم به‌عنوان کشور ایران با تمدن باستانی باید در مسیری برویم که در امتداد همین مسیر در معماری و شهرسازی باشد. ما دارای هویتی هستیم که باید این سبک و اصول معماری خودمان را با مفاهیم و تکنولوژی جدید ارتقا دهیم. کشوری مثل امارات یا شهری مانند دویبی این پستوانه فرهنگی و معماری را ندارند. اینها در حقیقت می‌خواهند با ساخت این برج‌ها هویت‌سازی کنند، چون در گذشته معماری و سبکی انحصاری نداشتند.

❖ اما بسیاری ساخت این برج‌ها را برای کشور اعتبار می‌دانند، شما با این تفکر مخالف‌هستید؟

بله. از نگاه معماری وجود چنین بناهایی را اعتبار نمی‌دانم. شاید عامه مردم از این منظر نگاه نکنند و دوست داشته باشند که برجی مثل هزاره در تهران ساخته شود که به معماری و دوست داشته باشند که در این نگاه مطلوب است.

❖ شهرسازی و معماری تهران با توجه به هزینه‌های گسترده‌ای که در آن می‌شود، آنتجان زیبا نیست و بناها معرف سبک خاصی از معماری نیستند، در این‌باره چه نظری دارید؟

این نقدی است که در شهرسازی معاصر مطرح است که زیبایی‌سازی‌های شهری را که باید وجود داشته باشد نمی‌بینیم. اشکالی که به معماری و شهرسازی تهران گرفته می‌شود این است که بناها دارای تجانس نیستند. ما وارد یک کوچه می‌شویم که یک ساختمان مسطحی که کنار یک پیوند مردم داشته باشد. است و صدتر آن طرف‌تر یک برج ۲۰طبقه ساخته شده. این عدم هماهنگی یکی از مباحثی است که در تهران آزاردهنده است. یکی از دغدغه‌هایی که امروز در بحث معماری شهری داریم بحث هویت است. معماری شهرهای ما به سمتی می‌رود که هیچ‌گونه هویتی در تاریخ و فرهنگ ایرانی ندارد و در حقیقت الگوبرداری صرف از معماری غرب است آن‌هم بدون آنکه هیچ مفهومی در کشور ما داشته باشد. این بحث بسیار جدی است. زیبایی‌سازی با فرهنگ هر کشور پیوند مردم داشته باشد. تعریف می‌شود؛ که از نگاه هر کشور و درمشج فرمی، چه رنگی و چه بافتی زیاست، اینها را باید به شهرسازی تعمیم دهیم. شهر به‌عنوان کالبدی که مردم در آن زندگی می‌کنند، باید یک نقش آموزنده هم داشته باشد نوعی گرمی و همگرای را به‌وجود آورد. در حالی که در تهران عدم همبستگی و تعامل را به‌خوبی می‌توان دید. به‌عنوان مثال در یک پارک تمان، یک فرد همسایه‌اش را نمی‌شناسد. معماری توانسته نقش مناسبی به‌عنوان ابزاری برای پیوند مردم داشته باشد. می‌خواهم بگویم الگویی که در غرب وجود دارد طبیعتا در ایران پاسخگو نیست.

❖ در نهایت آپارتمان‌سازی چه ضربه‌ای به معماری و فرهنگ ایران می‌زند؟

ماעתقمان این است که آپارتمان مسکن نیست، آپارتمان یک اقامتگاه موقتی است. در معماری فعلی این موضوع مطرح می‌شود که مسکن بتواند نیازهای رفاری، عملکردی، ذهنی و عاطفی فرد را در آن فضا پاسخ دهد. آپارتمان‌نشینی را که به آن عادت کرده‌ایم، نیازهایی را که فرد لازم دارد و مسکن باید برایش تامین کند، پاسخ نمی‌دهد. فضای سبزی را که فرد نیاز دارد برای آرایش هیچ‌گاه نمی‌توان در آپارتمان‌نشینی دید. خشونت و کج رفتاری و پریشانی‌هایی که در شهرها به‌وجود می‌آید از اثرات آپارتمان‌نشینی است.

❖ برخلاف هنرهایی مانند موسیقی، ادبیات و سینما که فرهنگ ایرانی را نمایان می‌سازد معماری چندان وجهه اجتماعی مناسبی در جامعه ندارد، به نظر آن آیا خلایق در ارتباط معماران با مردم به وجود آمده است؟

بله، کاملا درست است. اگر این اتفاق در شهرهای ما افتاده به این دلیل است که در برنامه‌ریزی‌های کلان مسا در این قضیه پافشاری نمی‌کنند و سیاستگذاری‌ها چندان پاسخگوی نیازهای مردم نبوده یا آن‌سخنگیری‌هایی که در کشورهای غربی وجود دارد در ایران نیست. زمانی که اختلال و ناهماهنگی بین بناها وجود داشته باشد، می‌تواند یک حس و انعکاس منفی را در جامعه از نظر روانی به‌همراه داشته باشد.

تقدیس

معماری و عدم رعایت حقوق مولف

کرمانشاه با بیستون و طاق‌بستانش با مردم خونگرم و شیرین‌لحجه‌اش طی یک‌دهه گذشته برای من و همکارانم همیشه دیدنی و جذاب بوده است. دوهفته پیش پس از چندسال بار دیگر به این شهر رفتم و دیدنی‌هایش را این‌بار با خانواده زیارت کردم. از جمله به دیدن تالار شهر کرمانشاه رفتم که حدود ۱۰سال پیش در دفتر «تجیر» طراحی کرده بودیم و هم‌اکنون یکی از مراکز فرهنگی جهت برگزاری سمینارها، تئاترها، برنامه‌های موسیقی و سینماست. در طراحی این بنا سعی داشتیم حجمی پر با نمایی یکدست رو به بوستان آزادگان داشته باشیم که به‌صورت دیواری ساده با گشودگی‌های حساب‌شده خود را به‌ره‌گذاران بنمایاند.

مدت‌ها به‌دنبال سنگ مناسبی بودیم که ضمن دوام به زیبایی این بنا نیز بیفزاید. بالاخره سنگ گرانیت نظنن انتخاب و نمای اصلی با آن پوشانید شد البته کوه‌های دیدنی اطراف کرمانشاه پیش‌رویمان بود و الهام‌بخش در طراحی. این تالار بعدها تالار انتظار نام گرفت که حتما مصلحتی در پس این نام‌گذاری نهفته بود. جهت نصب تابلو این عنوان نیز مکان مناسبی در نظر گرفته شد که به‌خوبی می‌توانست معرف این مکان فرهنگی باشد.

کشنه اول بهمن ۹۲ وقتی به دیدن دست‌نخست خود رفتم، در کمال حیرت با صحنه‌ای مواجه شدیم که کاملا برایمان تارگی داشت. در مهم‌ترین بخش نمای اصلی که قرار بود دیواره سخت و خوشرنگ خود را نشان دهد، با تابلو عظیمی مواجه شدیم که تقریبا نصف نما را پوشانده و به آن چسبانده بود.

تعجب و تاسف ما پایانی نداشت و با وجود کمک‌های بی‌دریغ کارکنان دلسوزی که تمام درها را به رویمان گشودند در مقابل عملی که انجام شده بود، حرفی نداشتند. به این بهانه چند نکته را در زمینه حرفه و هنر معماری یادآور می‌شود:

۱) تابلوو عظیم فوق (پنج‌متر در ۹متر) احتمالا با سوراخ کردن و پیچ بر سنگ‌ها انجام شده و شاید چسب سنگ استفاده شده که در هر دو حالت خسارت‌های جبران‌ناپذیری به نمای ساختمان وارد خواهد کرد. اگر آب به پشت این قطعات نفوذ کند، با یخ‌زدگی این خسارت‌ها دوچندان خواهد شد.

۲) جهت نصب این تابلو خط‌نوشته کوچک‌ترین سوزالی از گروه طراحان به عمل نیامد و گویی آنان همچون مسوولان و سازندگان بخش تابلیسات، برق،بترریزی و... کارشان را کرده و دستمزدشان را دریافت کرده و پی کار خود رفت‌اند بنابراین هیچ‌گونه مسوولیتی در قبال این بنا ندارند. در صورتی که اگر اتفاق ناگواری مانند زلزله و آتش‌سوزی رخ دهد و علت آن قصور در طراحی و اجرا باشد، طراحان، مشاور و پیمانکار مسوولیت تام‌وتمام دارند.

۳) اینجاست که مساله حقوق مولف مطرح می‌شود که آیا معماران حق و حقوقی‌معنوی همچون ادیبان، نقاشان،سینماگران،موسیقیدانان و دیگر اصحاب هنر دارند؟ هرچند حقوق معنوی هیچ هنرمندی به‌صورت شایسته رعایت نمی‌شود.

حالب است که در روزنامه «اختر» چاپ شهر کرمانشاه به تاریخ

اول‌بهمن ۱۳۹۲ در مقاله‌ای با عنوان «حقوق معنوی هنرمندان یک الزام حقوقی است» ضمن گلابه از عدم رعایت تنها حقوق یک نقاش

چهره‌نگار برجسته کرمانشاهی به نام ایرج قبادی به بخش‌هایی از سخنان یکی از مسوولان عالی‌رتبه استان اشاره کرده که:

«مالکیت معنوی از حقوق مربوط به آن یکی از ارکان مهم تمدن ملل است و از قدیم‌الایام ملمح‌منظر ملت‌ها و کشورها بوده است. مالکیت

معنوی که محتمل بر مالکیت صنعتی و ادبی و حقوق جانبی آنهاست به

اندازهای حایزاهمیت است که تمام ملل دنیا علاوه بر قوانین داخلی برای

حمایت آن در سطح جهانی نیز قراردادهای متعددی را امضا کرده‌اند.

یکی از مولفه‌های این مالکیت آن است که دیگران باید به حقوق مولف احترام بگذارند و قانسون از دارنده این حق حمایت می‌کند و در صورت نادیده‌گرفتن این حقوق یا هنرمند می‌تواند علیه کسانی که بدون کسب اجازه از صاحب اثر با نادیده‌گرفتن نام خالق اثر و بدون کسب اجازه مولف اقداماتی انجام داده باشند به‌طور قانونی حق دارد با طرح دعوادر مراجع حقوقی پیگیری این موضوع باشد.»

بنابراین آیا آثار معماری که طی تاریخ بشریت همیشه بخش مهمی از هنر و فرهنگ جوامع گوناگون را تشکیل می‌داده،می‌تواند اینچنین مورد بی‌مهری قرار گیرد. آن‌هم بنایی که سال‌های طولانی پابرجا خواهد ماند و تحت تأثیر میراث فرهنگی قرار خواهد داشت.

۴) حق و حقوق فوق را امروزه می‌توان در زمینه‌های گوناگون گسترش داد. از جمله در زمینه مسابقات معماری که غالبا حق به حق‌دار نمی‌رسد و پروژه‌های برنده، مخصوصا آثار معماران جوان اجرا نمی‌شود و غالبا بر‌گزار کنندگان هرگونه دخل و تصرف را در پروژه‌ها برای خود مجاز می‌دانند.

۵) متأسفانه سنتی دیرپا در وطن ما جاری بوده و هست که معمولا نام طراحان آثار معماری ذکر نمی‌شد و ساختمان‌ها بنام کارفرمایان و صاحبان مال و قدرت نام‌گذاری می‌شد. علت آن را غالبا تواضع و فروتنی هنرمند عارف مسلک می‌دانستند که مایل بوده‌د نامش در کتیبه‌معرف‌بنا نباشد. در صورتی که اگر چنین می‌بود، چرا شاعران بزرگ در گذشته نام

با تخلص خود را در انتهای غزل و قصیده خود به‌کرات تکرار می‌کردند و از شأن عرفانی‌شان کاسته نمی‌شد و حق و حقوق خالق اثر در این

زمینه کاملاً رعایت می‌شد.

آنچه بیان شد فقط گوشه‌ای از گلابه‌های ما معماران و طراحان در این دوره زمانه است که متأسفانه ساخت‌وسازهای بی‌رویه و بناهای زشت و پر گو با احجام و فرم‌های مجبرالقول نام بسیاری از ارشیتکت‌هایی را که مرتکب چنین اعمالی نشده‌اند را نیز مخدوش کرده است. همچنین علاوه بر دستکاری‌های فوق شاهد تخریب‌های بسیار گسترده‌ای هستیم که متأسفانه توسط صاحبان سرمایه و با مجوز شهرداری‌ها صورت می‌گیرد و آثار معماری مخصوصا ۲۰۰سال گذشته (دوران قاجار و پهلوی‌اول) همچون فرزندان یتیم و بی‌صاحب در معرض تخریب قرار دارند. از جمله خانه‌های زیبای شهر ذوقول که در ادامه سفر

کرمانشاه دیدارشان میسر شد در معرض تخریب هستند. اگر چاره‌ای اساسی نشود در سال‌های آینده شاهد ویرانی گسترده‌ای خواهیم بود. شوادن‌هاذوقول (شهری خفته در زیر خانه‌های ذوقول) هم‌کنون به صورت مخروبه‌ای درآمده که در صورت احیا از شگفتی‌های شهرسازی

دست برداریم.